فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc482101026)

[پیچیده بودن نوع استدلالات ملاک اعلمیت 2](#_Toc482101027)

[برداشت و معنای درست از فهم و ذکر مسائل پیچیده برای ملاک اعلمیت 2](#_Toc482101028)

[برداشت و معنای نادرست از فهم و ذکر مسائل پیچیده برای ملاک اعلمیت 3](#_Toc482101029)

[نتیجه استدلالات پیچیده در ملاک اعلمیت 3](#_Toc482101030)

[معنای أجود استنباطاً برای تعریف اعلم 3](#_Toc482101031)

[ملاک آیت‌الله سیستانی در اعلمیت 3](#_Toc482101032)

[وابستگی اعلمیت به سه مسئله از دیدگاه آیت‌الله سیستانی 3](#_Toc482101033)

[سیلقه عرفی در ملاک اعلمیت 4](#_Toc482101034)

[عدم ملاک سلیقه عرفی در بحث‌های اعتقادی عمیق 4](#_Toc482101035)

[جاری یا عدم جریان سلیقه عرفی در مسائل فقهی 4](#_Toc482101036)

بسم الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / اجتهاد و تقلید / مسأله تقلید (مفهوم اعلم و ملاک تشخیص آن)

# اشاره

# پیچیده بودن نوع استدلالات ملاک اعلمیت

آیا پیچیده بودن نوع استدلالات که در اصول یا فقه مطرح می‌شود یکی از نشانه‌های اعلمیت است، یا این‌طور نیست؟ شاید ابتدائاً این‌طور بیان شود از نشانه‌های اعلمیت است، زمانی که فکر پیشرفته‌تر است، طبعاً زوایا و ابعاد مسئله هم متنوع‌تر و عمیق‌تر است و از نشانه‌های علم و دانش بیشتر است، ولو اینکه فی‌الجمله این‌طور است، اما بالجمله این‌طور نیست، برای اینکه اگر گفته شود اعلمیت یعنی کسی که قدرت بیشتر بر استدلال و اینکه بر زوایای خفی بحث توجه می‌کند و احاطه به عمق مسائل دارد، اما همیشه این‌طور نیست که در نوع مباحث پیچیدگی وجود داشته باشد، مثلاً در بحث رجال بعضی علم به وثوق بعضی راویان پیدا کردند و از این هم مستلزم بعضی پیچیدگی‌های سخت بوده که از آن‌ها عبور کرده، اما بعضی مثل اخباری‌ها ابتدائاً به این نتیجه رسیدند که همه کتب اربعه مورد وثوق هستند، الا خرج بالدلیل، مگر دلیلی خلاف آن را ثابت کند، وقتی از ابتدا به این نتیجه رسیدند، بعد از آن پیچیدگی‌های خاص دیگری وجود ندارد.

مثلاً در اصول بعضی در حجج به انسداد رسیدند، رسیدن به انسداد بسیار سخت است، اما بعد از آن دیگر پیچیدگی خاصی وجود ندارد و در شناخت حجت‌ها دقت‌ها آن‌چنانی لازم نیست، به ظن مطلق اعتماد می‌کند، ظن مطلق از طرق مختلف به دست می‌آید.

لذا اینکه گفته شود اعلمیت مساوی با پیچیده‌تر بودن استدلالات فقیه؛ به‌طور کامل درست نیست، به یک معنایی درست و به معنای دیگر نادرست است.

# برداشت و معنای درست از فهم و ذکر مسائل پیچیده برای ملاک اعلمیت

معنای درست این است که فردی که می‌خواهد وارد بحث‌های اصولی، فقهی و رجالی شود اعلمیتش به این است که هر بحث پیچیده به او داده شود، بتواند دقیق‌تر ارائه دهد و توانایی ورود در بحث‌های پیچیده را داشته باشد.

# برداشت و معنای نادرست از فهم و ذکر مسائل پیچیده برای ملاک اعلمیت

معنای نادرست این است که فرد مجتهد قاعده‌ای را پذیرفته است که در تطبیق؛ پیچیدگی‌ها برچیده می‌شود، لذا به‌طور مثال نمی‌شود گفت که اجتهاد مرحوم نائینی که از مرحوم اصفهانی پایین‌تر است، ولو اینکه بحث‌های مرحوم اصفهانی پیچیده‌تر باشند.

# نتیجه استدلالات پیچیده در ملاک اعلمیت

بنابراین ارائه سخن‌ها و استدلالات پیچیده‌تر دال بر اعلمیت کسی بر کسی دیگر نیست، اما توانایی بر ارائه و استدلال بحث‌های پیچیده ملاک اعلمیت است.

# معنای أجود استنباطاً برای تعریف اعلم

أجود استنباطاً که برای تعریف اعلم ارائه شده است، معنایش این نیست که اَشکال استدلالات قوی است، گاهی شخصی صحبت‌ها و استدلالات را منظم و منقح و قوی ارائه می‌دهد و شخصی دیگر این‌طور نیست و آن نظم خاص را ندارد، اما وقتی در عمق مسئله دقت می‌شود، فرد دوم بهتر از مسئله مربوطه عبور می‌کند، شکل ظاهری و مقدمات منظم نشانه اعلمیت نیست، ولو اینکه یک نوع ذکاوت و تیزهوشی به حساب بیاید، اما مهم فقه الحدیث و توانایی ارائه مسئله‌های پیچیده است، مثل مرحوم آیت‌الله تبریزی که عمق مسئله و استدلال را خیلی خوب درک و عبور می‌کردند.

مسائلی که جنبه‌های اجتماعی دارد، شناخت موضوعی مهم است.

# ملاک آیت‌الله سیستانی در اعلمیت

آیت‌الله سیستانی در تعلقیه‌شان این تعبیر را دارند که اعلمیت به سه مسئله وابسته است:

# وابستگی اعلمیت به سه مسئله از دیدگاه آیت‌الله سیستانی

1- شناخت حدیث و مصادر حدیث و مباحث سندی است.

2- مباحث دلالی که قوانین اصول و قواعد حاکم بر متن

3- حسن سلیقه و ذوق مناسب عرفی

اشکالی و بحثی در مسئله دوم نیست، شناخت قوانینی در محاورات عرفی وجود دارد و بر اساس آن می‌شود به دلالت‌های متن رسید.

شاخص اول که بسط به آن داده شده، این است که کسی اعلم است که در شناخت کتاب‌ها و سلسله سند کتاب‌ها و روات و طبقات آن‌ها احاطه بیشتری داشته باشد.

همیشه ملاک اعلمیت شاخص اول نیست که کتاب‌ها را بهتر بشناسد، سند کتب را بهتر تشخیص بدهد، بلکه امکان دارد آن فرد اخباری باشد و این دقت‌ها را لازم نمی‌داند، بدون اینکه وارد این بحث شود، بر اساس یک مبنایی به‌طور مثال مطالب را درست می‌داند.

اما آیت‌الله سیستانی می‌فرمایند که ملاک اعلمیت این است که سند کتب، نُسَخ کتب را بهتر بشناسد، مرحوم آقای خویی هم بر همین مبنا هستند.

بلکه باید ایشان قید بزنند که یک قید اعلمیت این است که سند کتب و نسخ کتب و امثالهم را بهتر بشناسد.

# سلیقه عرفی در ملاک اعلمیت

شاخص دیگری که ایشان ذکر کرده‌اند این است که فرد اعلم از سلیقه عرفی برخوردار باشد، در این مورد اختلاف مبنا وجود ندارد، برای اینکه همه مشارب فقهی بر این است که از احادیث مطالب را بیرون می‌آورند و این احادیث بر عرف القاشده و لذا فهم عرفی بیشتر در شناخت موضوع و متون از شاخص‌های اعلمیت است.

# عدم ملاک سلیقه عرفی در بحث‌های اعتقادی عمیق

در بحث‌های اعتقادی گفته می‌شود روایات این‌طور نیست که بر اساس فهم عرفی صادر شده باشد، بلکه ابعاد عمیق غیر عرفی در آن ملحوظ است، در این صورت اشکالی بر شاخص سوم وارد است.

# جاری یا عدم جریان سلیقه عرفی در مسائل فقهی

البته در مسائل فقهی حکم و مسئله زیاد این نکته جاری نیست، بیشتر در مسائل اعتقادی است که اسراری در آن‌ها نهفته است و باطن دارد، عمق آن با ملاحظه دقیق به دست می‌آید.